

## پاسخ به شبهه آلوسی بر امامت امامان علیهم‌السلام بر اساس نقش «إنما» در آیه ولایت

علی حسن‌بگی\*

### چکیده

مفسران شیعه آیه ۵۵ مائده مشهور به آیه ولایت را همواره برای اثبات ولایت حضرت علی علیه‌السلام مطرح کرده‌اند. برخی از مفسران اهل سنت بر این رویکرد تفسیری اشکال‌هایی را وارد نموده‌اند. آلوسی از مفسران اهل سنت بیان می‌کند که: لازمه تفسیر شیعه از آیه ۵۵ مائده، نفی امامت امامان دیگر شیعه است. مفسران شیعه به اشکال مذکور پاسخ‌هایی داده‌اند که به گمان نگارنده پاسخ‌های ارائه‌شده روشمند نبوده است. آخرین پاسخ مکتوب به شبهه آلوسی از زاویه «آتی بودن مفهوم مخالف آیه ولایت و عدم قابلیت تخصیص»، «مسلم پنداشتن امور غیر مسلم» و ... دارای نقص و چالش است. با کوششی که انجام شد، مشخص گردید پاسخ شبهه مذکور در گرو توجه به نقش «إنما» در آیه مذکور است. گفتنی است شبهه آلوسی و پاسخ ارائه‌شده بر دلالت «إنما» بر حصر حقیقی مبتنی است در صورتی که دقت در کاربردهای «إنما» گویای حصر اضافی است. در نتیجه منطوق و مفهوم آیه با نفی امامت امامان علیهم‌السلام هیچ ارتباطی ندارد.

### واژگان کلیدی

آیه ۵۵ مائده، آیه ولایت، آلوسی، حصر إنما.

## طرح مسئله

امامت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام یکی از مهم‌ترین باورهای کلامی شیعه است. متکلمان، عالمان و مفسران شیعه در اثبات ولایت امام علی علیه السلام به آیات قرآن و احادیث زیادی استدلال کرده‌اند. از آیاتی که بر آن، به ولایت و امامت علی علیه السلام استدلال شده «آیه ولایت» (مانده / ۵۵) است. آیه مذکور یکی از مهم‌ترین دلایل قرآنی شیعه بر ولایت و امامت علی علیه السلام است. یکی از مفسران در قرن ششم می‌نویسد: آیه ولایت یکی از روشن‌ترین دلایل بر امامت بلافصل علی علیه السلام است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۷) از سوی دیگر، برخی از مفسران و متکلمان اهل سنت بر رویکرد تفسیری شیعه از آیه مذکور، ایرادها و شبهه‌هایی وارد کرده‌اند. آلوسی از مفسران اهل سنت در این زمینه إشکالی را به إشکال‌های قبلی افزوده است. او می‌گوید: لازمه تفسیر شیعه از آیه ولایت، نفی ولایت و امامت امامان دیگر شیعه است. پس از طرح این إشکال، عالمان و مفسران شیعه پاسخی به او داده‌اند. این نوشتار تلاش می‌کند با بررسی نقش محوری واژه «نُما» در آیه ولایت، پاسخی روشنمند به شبهه مذکور ارائه کند. همچنین در این نوشتار آخرین پاسخ مکتوب به شبهه آلوسی بررسی و ارزیابی می‌شود. پیشینه استدلال به آیه ولایت بر اثبات امامت و ولایت امام علی علیه السلام، به زمان آن حضرت می‌رسد (حویزی، بی‌تا: ۱ / ۶۴۵ - ۶۴۴) بعدها مفسران و متکلمان شیعه در کتاب‌های خویش به آیه مذکور بر اثبات امامت و ولایت علی علیه السلام استدلال کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۷) مفسران اهل سنت از آیه مذکور تفسیر دیگری ارائه و بر رویکرد تفسیری شیعیان إشکال‌هایی وارد کرده‌اند که در میان آنان فخر رازی بیشترین سهم را داراست (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۳۸۴) آلوسی از مفسران اهل سنت در قرن سیزدهم، شبهه‌ای از سوی تسنن مطرح می‌کند که شبهه وی در میان شبهات اهل سنت دیده نشد و لذا اکنون در میان پژوهشگران تفسیر، به «شبهه آلوسی» موسوم شده است. پس از آلوسی، عالمان و مفسران شیعه به شبهه او پاسخی داده‌اند تا اینکه در سال ۱۳۸۶ یکی از نویسندگان طی تحقیقی تلاش کرد پاسخی نو و روشنمند ارائه کند (ابراهیمی‌راد، ۱۳۸۶: ۱۱ - ۶) این نوشتار نیز در صدد پاسخی دیگر به شبهه آلوسی است.

## مفهوم‌شناسی چند اصطلاح

بررسی شبهه آلوسی و پاسخ آن در گرو مفهوم‌شناسی اصطلاح «منطوق»، «مفهوم» و «تخصیص اکثر» است.

## ۱. منطوق

«منطوق» در اصطلاح دانش اصول عبارت است از معنایی که کلام به دلالت مطابقی یا تضمنی بر آن دلالت دارد؛ به سخن دیگر منطوق عبارت است از معنایی که به‌طور مستقیم از یک گزاره به ذهن می‌رسد. (مظفر، ۱۴۰۵: ۱ / ۱۰۱؛ محمدی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۸۵؛ قافی - شریعتی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۵۵)

## ۲. مفهوم

«مفهوم» در اصطلاح دانش اصول به معنایی گفته می‌شود که در جمله بدان تصریح نشده، اما از آن فهمیده می‌شود و لازمه معنای اصلی جمله است، برای مثال معنای منطوقی جمله «ان جائك زيد فأكرمه» وجوب إکرام زيد بر فرض آمدن اوست. معنای مفهومی جمله مذکور، عدم إکرام زيد بر فرض نیامدن اوست (همان). مفهوم به دو قسم تقسیم شده است:

## الف) مفهوم موافق

هرگاه مفهوم جمله از جهت نفی و اثبات مطابق با منطوق باشد آن را «مفهوم موافق» گویند. در مفهوم موافق حکم بیان‌شده در منطوق جمله، با حکمی که به‌عنوان مفهوم از آن فهمیده می‌شود، هم‌سنخ است. برای مثال در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا تَقُلْ لَهُمْ أُفٍّ (إسراء / ۲۳)؛ به پدر و مادر أُفْ نگویند» منطوق جمله نهی أُف (آزار زبانی) گفتن است. مفهوم جمله نهی از آزار جسمی و زدن آنان. بنابراین مفهوم و منطوق جمله هر دو منفی است (قافی - شریعتی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۴۹ - ۱۴۸)

## ب) مفهوم مخالف

هرگاه حکم مفهوم از جهت نفی و اثبات با حکم منطوق، متفاوت باشد آن را مفهوم مخالف گویند؛ برای مثال گفته می‌شود:

«هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.» مفهوم مخالف آن این است که «تجسس با حکم قانون ممنوع نیست» (همان / ۱۵۰) گفتنی است همان‌گونه که منطوق جمله حجّت است و بر پایه آن می‌توان مقصود گوینده را کشف کرد، مفهوم موافق و مخالف نیز حجت است. آنچه که در میان عالمان اصول بحث‌انگیز شده این است که چه گزاره‌هایی مفهوم دارند؟ به‌نظر می‌رسد بیشتر عالمان اصول معتقدند گزاره‌ای که با «ادات حصر» از قبیل «لا» و «إنما» همراه است از مفهوم برخوردار است.

### شأن نزول آیه ولایت

به‌زعم مفسران و متکلمان شیعه و بسیاری از مفسران و متکلمان اهل سنت، آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست شما، تنها خدا و فرستاده او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند؛ [همان] کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و درحالی که در رکوع‌اند، زکات می‌دهند» (مائده / ۵۵)؛ هنگامی درباره حضرت علی علیه‌السلام نازل شد که آن حضرت در حال رکوع، انگشتر خویش را به فقیر بخشید (بلخی، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۸۶؛ طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۲۶ - ۳۲۵؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۳۳۸ - ۳۳۷؛ مجلسی، ۱۳۸۲: ۳۵ / ۲۰۶ - ۲۰۳؛ امینی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۳۱ - ۲۲۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶ / ۱۸۷؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۴ / ۱۰۲؛ سیوطی، بی‌تا: ۲ / ۲۹۴ - ۲۹۳؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۷۰)

### رویکرد شیعه به آیه ولایت

همان‌گونه که اشاره گردید؛ می‌توان گفت نزول آیه ولایت درباره حضرت علی علیه‌السلام میان شیعه و اهل سنت امری اتفاقی است (مجلسی، ۱۳۸۲: ۳۵ / ۲۰۵؛ امینی، ۱۴۱۶: ۲ / ۹۳ - ۹۱؛ شرف‌الدین، بی‌تا: ۱۶۳)؛ با این تفاوت که شیعه، آیه مذکور را دلیل بر ولایت و امامت علی علیه‌السلام دانسته؛ زیرا «إنما» بر حصر دلالت می‌کند و ولایت بر مسلمانان را در خدا، رسول و مؤمنان منحصر کرده و از دیگران نفی کرده است. کلمه «ولی» در این آیه به‌معنای دوست و یاری‌کننده نیست؛ چون ولایت به‌معنای دوستی و یاری‌کردن منحصر به کسانی نیست که نماز می‌خوانند و در حال رکوع زکات می‌دهند، بلکه طبق آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه / ۷۱) مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند»، یک حکم عمومی است که همه مسلمانان را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر روایات متعددی وارد شده که علی علیه‌السلام در حال رکوع انگشتر خود را به فقیری صدقه داد. بر این اساس آیه مذکور ولایت علی علیه‌السلام و نفی ولایت از دیگران را اثبات می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۶۰؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۸؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۳۳۸ - ۳۳۷؛ مجلسی، ۱۳۸۲: ۳۵ / ۲۰۵ - ۲۰۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳ / ۸۳؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۵: ۴ / ۵۲۳)؛ ولی اهل سنت این آیه را دالّ بر ولایت و امامت علی علیه‌السلام ندانسته‌اند.

### آلوسی و اشکال بر رویکرد تفسیری شیعه به آیه ولایت

آلوسی پس از نقل استدلال شیعه از آیه ولایت بر اثبات ولایت علی علیه‌السلام؛ می‌نویسد: اهل سنت به استدلال شیعه پاسخ داده‌اند. توضیح آنکه لازمه استدلال شیعه بر اثبات امامت و ولایت علی علیه‌السلام نفی ولایت و امامت دیگران (أبوبکر، عمر و عثمان) و همچنین نفی ولایت و امامت امام حسن علیه‌السلام، امام حسین و سایر امامان شیعه است؛ به‌عبارت دیگر، لازمه حصر حقیقی در آیه ولایت، انحصار ولایت در علی علیه‌السلام و نفی امامت از أبوبکر، عمر، عثمان، امام حسن علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و سایر امامان شیعه است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۴۴)

### پاسخ به شبهه آلوسی

عده‌ای از عالمان و مفسران شیعه، به شبهه آلوسی پاسخ‌هایی داده‌اند که آن پاسخ‌ها از سوی برخی از نویسندگان (ابراهیمی‌راد، ۱۳۸۶: ۶ - ۴) نقد و بررسی شده است. قابل یادآوری است در ذیل صرفاً به طرح و بررسی یک پاسخ از پاسخ‌هایی که به شبهه آلوسی داده شده، پرداخته می‌شود:

«اَئِمَّا» در آیه ولایت بر حصر حقیقی دلالت و صرفاً امامت علی علیه السلام را اثبات می‌کند و امامت سایر امامان، از طریق روایات (دلیل خاص) اثبات می‌شود. (طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۴۰۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳ / ۱۱۵ و ۱۳۵)

نویسنده‌ای ضمن اِذعان به دلالت «اَئِمَّا» بر حصر حقیقی (ابراهیمی‌راد، ۱۳۸۶: ۳)؛ در نقد پاسخ مذکور می‌نویسد: این جواب در جواز تخصیص عمومات قرآن، گرچه صحیح است؛ برای پاسخ به إشکال آلوسی کافی نیست؛ زیرا ممکن است گفته شود: تمامی روایاتی که بر امامت سایر ائمه دلالت دارند، بر اثر مخالفت با مفهوم آیه ولایت از اعتبار ساقطاند؛ چون اگر منطوق این آیه (برأساس مدعای شیعه) انحصار امامت بعد از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام متعلق باشد؛ مفهومی نفی امامت از دیگران است؛ در نتیجه آن روایات مخالف این مفهوم می‌شوند و روایت مخالف قرآن؛ چه مخالف منطوق قرآن و چه مخالف مفهوم قرآن از اعتبار ساقط است (همان: ۵ - ۴) این نویسنده معتقد است پاسخ مذکور به شبهه آلوسی ناکافی است و به تکمله‌ای نیاز دارد. او در ادامه تلاش می‌کند پاسخ صحیحی به شبهه آلوسی دهد و می‌نویسد: قبل از پاسخ دادن به إشکال مذکور، بیان چند مقدمه لازم است:

۱. در علم اصول ثابت شده است که کلمه «اَئِمَّا» که از أدات حصر است، دارای مفهوم است؛ یعنی به دلالت التزامی (لزوم بین به معنی الأخص) بر إنتفای حکم از غیر موضوع موجود در جمله دلالت دارد؛ چنان‌که با دلالت مطابقی بر انحصار حکم به آن موضوع دلالت دارد.

۲. از مباحث مهمی که در علم اصول فقه مطرح می‌شود، بحث «عام و خاص» است. براساس این بحث، اگر گوینده جمله‌ای بگوید که مفاد آن جمله «عام» باشد و سپس جمله دیگری بگوید که مفادش «خاص» بوده و در ظاهر با آن عام منافات داشته باشد؛ آن جمله عام به وسیله این جمله خاص «تخصیص» می‌خورد و گفته می‌شود: از همان ابتدا مقصود اصلی گوینده، عموم نبوده، بلکه همین خاص مقصود او بوده است. از این طریق بین آن دو جمله رفع تنافی می‌شود.

۳. اکثر علمای اصول بر این اعتقادند که عموم قرآنی را می‌توان با اخبار واحد معتبر تخصیص زد.

۴. در جواز تخصیص عمومات قرآن با اخبار متواتر یا اخبار واحد، بین منطوق قرآن و مفهوم آن - در صورتی که مفهوم داشته باشد - تفاوتی نیست؛ یعنی همان‌طور که می‌توان منطوق یک آیه عام را با خبر متواتر خاص یا خبر واحد خاص، تخصیص زد؛ می‌توان مفهوم یک آیه عامی را با خبر متواتر یا واحد تخصیص زد؛ زیرا مفهوم یک آیه مانند منطوقش، قرآن محسوب می‌شود و حجت است. از این رو، اگر مفهوم یک آیه عام بود، تخصیص آن با خبر متواتر خاص یا خبر واحد خاص جایز است و لذا با توجه به مقدمات یادشده، در جواب إشکال آلوسی می‌توان گفت:

اولاً: این آیه اصلاً به زمان‌های بعد ناظر نیست؛ زیرا واضح است که حاکمیت و سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام به همه زمان‌ها مربوط نیست، بلکه حاکمیت آنان به زمان حضور خود آنان مربوط است. بر این اساس، ظهور آیه ولایت در این است که در این زمان؛ یعنی زمان نزول آیه، ولایت و حاکمیت در خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام منحصر است. در نتیجه در این زمان افراد دیگری غیر از اینها صلاحیت سرپرستی و حاکمیت بر مردم را ندارند؛ یعنی در این زمان در میان افرادی که الان موجودند و می‌توانند حاکم باشند، فقط خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام است که صلاحیت سرپرستی را دارند و واضح است که حاکمیت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بالفعل و حاکمیت علی علیه السلام بالقوه و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است. پس آیه به زمان‌های بعد از حضرت علی علیه السلام ناظر نیست تا با امامت سایر ائمه که امامت آنها به زمان‌های بعد مربوط است، منافات داشته باشد؛ در واقع آیه نسبت به زمان‌ها بعد ساکت است.

ثانیاً: بر فرض اینکه آیه ولایت به زمان‌های بعد هم ناظر باشد؛ باز این آیه با ولایت سایر ائمه علیهم السلام منافاتی ندارد و حاکمیت و سرپرستی آنان را نفی نمی‌کند؛ چون کلمه «اَئِمَّا» در آیه ولایت، به «دلالت مطابقی» بر انحصار سرپرستی و حاکمیت در خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و به دلالت التزامی بر نفی حاکمیت از غیر آنها (سایر امامان شیعه و افراد و خلفای دیگر) دلالت می‌کند. پس، مفهوم این آیه عام است؛ یعنی سایر امامان شیعه و افراد و خلفای دیگر را شامل می‌شود و امامت و حاکمیت همه آنها را نفی می‌کند.

روایاتی که به‌عنوان اخبار متواتر یا حداقل به‌عنوان اخبار واحد معتبر بر امامت سایر امامان شیعه دلالت دارند؛ خاص بوده و خصوص امامت سایر امامان شیعه را ثابت می‌کنند. این روایات خاص، مفهوم عام آیه ولایت را که امامت از دیگران

را نفی می‌کرد؛ تخصیص می‌زنند.

در نتیجه، امامت سایر امامان شیعه از عموم مفهوم آیه ولایت خارج شده و آن مفهوم، شامل آنان نمی‌شود و تنها افراد و خلفای دیگر مشمول آن مفهوم می‌گردند و حاکمیت آنان توسط آن مفهوم، نفی می‌شود. بر این اساس، مفاد آیه ولایت، گویای انحصار امامت و حاکمیت در خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام و نفی آن از دیگران است. روایات اثبات‌کننده امامت سایر ائمه علیهم‌السلام با مفهوم آیه ولایت، مخالف نمی‌باشد؛ چون نسبت این روایات با آیه ولایت، نسبت «عام و خاص» است و از طریق تخصیص قابل جمع‌اند و با یکدیگر منافاتی ندارند. (همان: ۱۰ - ۷)

### بررسی

تلاش ناقد و نویسنده محترم در ارائه پاسخی روشمند به شبهه آلوسی ستودنی است، اما چند نکته قابل تأمل وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. مدلول التزامی و بُیْتِ دلیل

مهم‌ترین نکته‌ای که ناقد محترم در مقاله خود در صدد پاسخ به شبهه آلوسی بر آمده، عبارت است از تخصیص مفهوم مخالف آیه ولایت، توسط احادیث است؛ به عبارت دیگر از دیدگاه ناقد محترم کلید حل شبهه آلوسی بر دلالت آیه ولایت بر امامت علی علیه‌السلام، در تخصیص مفهوم مخالف این آیه بر پایه احادیث است. توضیح آنکه آلوسی می‌گفت: اگر آیه ولایت بر حصر ولایت و امامت علی علیه‌السلام دلالت کند، در این صورت لازمه‌اش نفی ولایت و امامت امامان شیعه است. به نظر می‌رسد ناقد محترم از مدلول التزامی‌ای که آلوسی به آن تصریح کرده، «عموم» فهمیده است؛ زیرا روایات دال بر امامت امامان را مُخَصِّص آن عموم می‌داند که صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً، آلوسی از مفهوم عام سخنی نگفته، بلکه او گفته است لازمه تفسیر شیعه از آیه ولایت، نفی امامت از امامان علیهم‌السلام است، ثانیاً اگر بپذیریم که مقصود آلوسی عموم بوده است، باید توجه کرد مفهومی که آلوسی به آن تصریح کرده، مدلول التزامی است که قابلیت تخصیص ندارد؛ زیرا مفهوم مخالف یا همان مدلول التزامی (مشکینی، ۱۴۲۱: ۲۵۰)، دلیل لُبی تلقی می‌شود که می‌بایست به قدر مُتین بدان بسنده کرد. در نتیجه مفهوم مخالف، قابلیت عموم و اطلاق ندارد. لذا مطرح کردن تخصیص و تقیید صحیح نیست؛ به عبارت دیگر، مفهوم مخالف، دلیل لفظی نیست تا عموم و اطلاقی شکل گیرد. توضیح آنکه مدلول التزامی به دلیل اینکه یکی از مصادیق و افراد دلالت التزامی است و دلالت التزامی از اقسام دلالت عقلی است (ساوی، ۱۳۱۶: ۷؛ شهابی، ۸۰؛ سبحانی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۵۵؛ خمینی، ۱۴۱۸: ۳ / ۵)؛ اطلاق و عمومی شکل نگرفته است تا بتوان آن را تخصیص زد. گفتنی است بر مبنای کسانی که دلالت «شرط»، «وصف»، «غایت» و «حصر» بر مفهوم مخالف را بر پایه بنای عقلا می‌دانند (منتظری، ۱۳۷۵: ۲۶۶)، لُبی بودن مفاهیم و از جمله مفهوم حصر روشن‌تر است. در نتیجه مفهوم حصر عموم و اطلاقی ندارد تا نوبت به تخصیص برسد.

#### ۲. اختلاف در حجیت روایات تفسیری

ناقد محترم معتقد است احادیثی که بر امامت سایر امامان دلالت می‌کند (متواتر و واحد) مُخَصِّص مفهوم عام آیه است؛ در نتیجه از راه تخصیص به شبهه آلوسی پاسخ می‌دهد، درستی این پاسخ، در گرو تواتر احادیثی است که بر امامت امامان علیهم‌السلام دلالت کند و الا در صورت غیر متواتر بودن آن احادیث، این پاسخ از سوی کسانی که احادیث غیر متواتر تفسیری را حجت نمی‌دانند (کاشانی، ۱۳۷۰: ۱ / ۱۹ و ۲۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۴ / ۱۴۴ و ۱۳۵۳: ۳۲ - ۲۹ و ۱۰۱)؛ تمام نیست در نتیجه چنین احادیثی نمی‌توانند مُخَصِّص مفهوم عام آیه ولایت باشد.

#### ۳. «إنما» و دلالت بر حصر

قابل یادآوری است که شبهه آلوسی و پاسخ به آن بر پایه دلالت «إنما» بر حصر حقیقی است؛ در صورتی که از پیشینیان، نحویان بصره، أبوحیان، آمدی، فخر رازی و برخی از معاصران، دلالت «إنما» بر «حصر» را قبول نکرده‌اند (ابن هشام، بی‌تا: ۵۹؛ سیوطی، بی‌تا: ۳ / ۱۶۸؛ شوکانی، بی‌تا: ۳ / ۱۷۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۳۸۶؛ روحانی، ۱۴۱۳: ۱۴ / ۲۷۶؛

خمینی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۸۶) گفتنی است یکی از عالمان معاصر، دلالت «إنما» بر حصر را از سوی پیشینیان انکار کرده و صرفاً آن را رویکرد عده‌ای از متأخران دانسته است. (خمینی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۸۶)

### رویگرد نگارنده

با بررسی پاسخ‌هایی که به شبهه آلوسی درباره آیه ولایت داده‌اند روشن گردید هیچ‌یک از آنها شایستگی پاسخ را ندارند. اکنون به‌نظر می‌رسد توجه به دو نکته ذیل می‌تواند زمینه پاسخ به شبهه آلوسی را فراهم کند:

۱. شبهه آلوسی و پاسخ ناقدان بر دلالت «إنما» در آیه ولایت، بر حصر حقیقی مبتنی است اما به‌نظر می‌رسد تلقی دلالت «إنما» بر حصر حقیقی، بر پایه سخن گفتن گوینده در «خلاً» شکل گرفته است. توضیح اینکه اگر ما بپذیریم گوینده دانا هنگام سخن گفتن، ذهنیات، باورها و پیش‌فرض‌ها مخاطب یا مخاطبان را در نظر می‌گیرد و بر پایه آنها، واژه‌ها را در کنار هم قرار داده و به‌ایزاز مطلب خود می‌پردازد، آن‌گاه می‌توان گفت: گوینده وقتی متوجه می‌شود که مخاطب یا مخاطبان دچار اشتباه و توهمی شده‌اند، از «إنما» که از آداب حصر است،<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. برای مثال وقتی گوینده متوجه شده که مخاطب، غیر «زید» را نویسنده می‌داند، به او می‌گوید: «إنما الکاتب زید»؛ یعنی دیگران، آدای کتابت را در می‌آورند و کاتب فقط زید است. از سوی دیگر قرآن کریم کلام است و بر پایه شرایط مخاطبان نازل شده است. در آیه ولایت نیز خدای متعال به مسلمانان گوشزد می‌کند که «ولی» شما شیخ قبیله و فلان شخص متنفذ نیست، بلکه «ولی» شما به سه نفر منحصر است؛ به عبارت دیگر تقسیم حصر به حقیقی و اضافی، صرفاً ذهنی است؛ و الا دقت در کاربردهای «إنما» و توجه به محاورات عرفی، گویای حصر اضافی است و حصر حقیقی در یک صورت تصور دارد و آن اینکه گوینده در «خلاً» سخن گوید. بر پایه این توضیح می‌توان گفت که حصر در آیه ولایت اضافی و بر نفی افرادی از قبیل شیخ قبیله و فلان شخص ثروتمند ناظر است. در نتیجه بر نفی امامت امامان ناظر نیست. لذا به‌نظر می‌رسد در تفسیر آیه ولایت، حق با مفسران و عالمانی است که دلالت «إنما» بر حصر در آیه ولایت را اضافی می‌دانند. (طوسی، بی‌تا: ۳ / ۵۶۰؛ اردبیلی، بی‌تا: ۱ / ۱۰۸؛ آصف محسنی، ۱۴۲۸: ۳ / ۲۳۶)

۲. گفتنی است «ولی» صفت مشبیه است و صفت مشبیه بر ثبوت وصف در زمان حاضر دلالت می‌کند و بر آینده ناظر نیست. (سکاکی، ۱۴۰۷: ۵۰؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۹۸) از سوی دیگر، واژه «ولی» با «إنما» که بر حصر دلالت می‌کند در این آیه همنشین است. در نتیجه آیه ولایت دلالت می‌کند که ولایت منحصر است برای علی علیه السلام در زمان حاضر و لازم‌آش نفی ولایت از دیگر کسانی است که با علی علیه السلام معاصر هستند. بر این پایه، آیه ولایت بر نفی ولایت از افرادی که بعد از حضرت علی علیه السلام می‌آیند ناظر نیست؛ به عبارت دیگر، ولی صفت مشبیه است و صفت مشبیه دال بر حَدَثِ ثبوتی است. قابل یادآوری است ثبوت، بر ماندگاری دلالت ندارد بلکه مقابل اسم فاعل و اسم مفعول است که بر حَدَثِ حدوثی دلالت می‌کند. لذا ثبوت در کنار حصر حقیقی<sup>۲</sup> یعنی ولایت، برای علی علیه السلام ثابت و چنین ولایتی به کسانی که هم‌اکنون در معرض ولایت هستند، ثابت نیست، بنابراین نمی‌توان گفت آیه ولایت دلالت می‌کند بر نبودن ولایت آیندگان، بلکه اصلاً به ولایت آیندگان ناظر نیست؛ به عبارت سوم، مدلول مطابقی آیه - با توجه به دلالت «إنما» بر حصر حقیقی و صفت مشبیه بودن ولی - عبارت است از حصر ولایت در علی علیه السلام و مدلول التزامی آن عبارت است از نفی ولایت و امامت در همان زمان نزول آیه، از کسانی که در معرض ولایت هستند.

### نتیجه

از دقت در شبهه آلوسی بر تفسیر شیعیان از آیه ولایت و پاسخ‌های ارائه شده و همچنین دقت در محاورات عرفی نتایج ذیل ملاحظه می‌شود:

۱. این پاسخ بر این نکته مبتنی است که دلالت «إنما» بر حصر، پذیرفته شود. قابل یادآوری است که حصر ولایت در آیه شریفه را می‌توان از معرفه بودن خبر (ولیکم) استنباط کرد.

۲. توجه به این نکته روشن می‌کند که حتی بر مبنای کسانی که «إنما» را دال بر حصر حقیقی می‌دانند نیز آیه ولایت ناظر به بعد از علی علیه السلام نیست.

(الف) شبهه آلوسی و پاسخ مفسران شیعه، همگی بر پایه دلالت «إنما» بر حصر حقیقی است.  
 (ب) پاسخ ناقد اخیر، با چالش‌هایی از قبیل عدم قابلیت تخصیص مفهوم آیه ولایت و مسلم پنداشتن امور غیر مسلم (دلالت إنما بر حصر، مخصّص بودن احادیث تفسیری) روبه‌رو است.  
 (ج) توجه به کاربردهای إنما و محاورت عرفی از سویی و از سوی دیگر، گوینده را در خلأ فرض نکردن، هر دو گویای دلالت «إنما» در آیه ولایت، بر حصر اضافی است؛ در نتیجه شبهه از اساس و پایه‌ای محکم برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر کلید حل شبهه آلوسی در توجه به کاربردهای إنما و محاورت عرفی از سویی و از سوی دیگر متکلم را در شرایط واقعی دیدن است.  
 (د) حتی اگر بپذیریم که «إنما» بر حصر حقیقی دلالت می‌کند؛ به‌دلیل همنشینی صفت مشبّهه با آن، بر نفی ولایت افراد بعد از عصر علی علیه السلام ناظر نیست؛ به عبارت دیگر آلوسی از همنشینی «إنما» با صفت مشبّهه غفلت و در نتیجه تصور کرده که لازمه تفسیر شیعیان نفی امامت امامان علیهم السلام است.

## منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابراهیمی‌راد، محمد، ۱۳۸۹، نقد شبهه آلوسی بر امامت ائمه علیهم السلام در آیه ولایت، مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۴، ص ۱۲ - ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن‌هشام، عبدالله بن یوسف، بی‌تا، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، تبریز، بنی‌هاشم.
- آردبیلی، أحمد بن محمد، بی‌تا، زیادة البیان فی أحكام القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۶ ق، القدر، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، ۱۴۰۹ ق، شرح المقاصد، قم، منشورات الشریف الرضی.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، أحكام القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، تسنیم، قم، إسرائ.
- جلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- حویزی، عبدعلی، بی‌تا، تفسیر نورالثقلین، تهران، دار الکتب العلمیة.
- حیدری، علی نقی، ۱۴۱۸ ق، أصول الاستنباط، بیروت، دار السیرة.
- خمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۸ ق، تحریرات فی الأصول، بی‌جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- روحانی، محمدصادق، ۱۴۱۳ ق، فقه الصادق، قم، دار الکتب.
- ساوی، عمر بن سهلان، ۱۳۱۶ ق، البصائر النصیریة فی علم المنطق، بولاق.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۱۰ ق، تهذیب الأصول، قم، دار الفکر.
- سکاکی، یوسف بن أبی بکر، ۱۴۰۷ ق، مفتاح العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- سیوطی، جلال‌الدین، بی‌تا، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار المعرفة.
- سیوطی، عبدالرحمن، الإیتقان فی علوم القرآن، بی‌تا، قم، منشورات الشریف الرضی، بیدار و عزیزی.
- شرف‌الدین، عبدالحسین، بی‌تا، المراجعات، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- شهابی، محمود، بی‌تا، تقریرات أصول، بی‌جا، بی‌نا.
- شوکانی، محمد بن علی، بی‌تا، نیل الأوطار من أحادیث سید المختار، بیروت، دار الجیل.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۵۳، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۲، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، ۱۴۲۲ ق، اللوامع الإلهیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قافی، حسین و سعید شریعتی، ۱۳۸۹، أصول فقه کاربردى، تهران و قم، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۷۰، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۲، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- محسنی، محمد آصف، ۱۴۲۸ ق، صراط الحق، قم، ذوی القربی.
- محمدی، علی، ۱۳۷۱، شرح أصول الاستنباط، قم، مؤلف.
- مشکینی، علی، ۱۴۲۱ ق، إصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم، الهادی.
- مظفر، محمدرضا، ۱۴۰۵ ق، أصول الفقه، بی جا، دانش اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۵، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۵، نهاية الأصول، بی جا، بی تا.



## دراسة ونقد للآراء الواردة في بيان سبب عدم ذكر أولى الأمر كمراجع للنزاع في الآية ٥٩ من سورة النساء

نقى غياثي\*

### الخلاصة

يتناول البحث الذي بين أيديكم بأسلوب وصفي - وتحليلي دراسة وتقييم آراء المفسرين في سبب عدم ذكر أولى الأمر كمراجع لحل النزاعات التي ورد الكلام عنها في الآية ٥٩ من سورة النساء من بين الآراء التي طُرحت في هذا المجال قال البعض إن عدم عصمة أولى الأمر هو السبب في عدم جعلهم مرجعاً لحل الاختلافات، ورأى جماعة أن ما فرض علي الناس في القسم الأول من الآية من أتباعهم، هو السبب وراء هذا الأمر. في حين قال فريق آخر بما أن أولى الأمر أنفسهم قد أمروا في الآية بإرجاع المنازعات الي الكتاب والسنة، إذأ فلا داعى بعدئذ لذكرهم كمراجع لحل الاختلاف. في حين ذهب آخرون الي القول إن سبب ذلك يُعزي الي عدم تخويل أولى الأمر بحق التشريع. ومن بعد تحليل ما بين ثنايا النص والنظر اليه من الخارج، يُفهم أن ما بينته الآية في سبب عدم ذكر أولى الأمر بصفة المرجع لحل الإختلافات، يذهب الي خلاف ما يفيد به ظاهر الآية، والآخر هو بما أن أولى الأمر عندما يكونون هم أنفسهم موضع نزاع أو طرفاً في النزاع، فليس من المعقول جعل المتنازع فيه، مرجعاً لحل الاختلاف.

### الألفاظ المفتاحية

الآية ٥٩ من سورة النساء، آية الطاعة، آية أولى الأمر، مرجع حل الإختلاف.

ghiasi@umsha.ac.ar

تاريخ القبول: ٢٠١٨/١٢/٢٠

\*. استاذ مساعد في جامعة العلوم الطبية، همدان.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٤/١١

## رأى المفسرين فى تفسير الآيات المبينة طلب رؤية الله

على أصغر تجرى\*

### الخلاصة

فى قسم من الآيات المتعلقة برؤية الله مثل الآية ٥٥ من سورة البقرة، والآية ١٥٣ من سورة النساء، والآية ١٤٣ من سورة الأعراف، جاء طلب رؤية الله من قبل طائفة من بنى إسرائيل والنبي موسى ﷺ. فى ما يخص طلب النبي موسى ﷺ هل كان من قبله هو، أم نيابة عن بنى إسرائيل؟ وإن كان من جانب بنى إسرائيل، هنالك اختلاف بين المفسرين فى هل كان المقصود من الرؤية، الرؤية البصرية؟ أم الرؤية غير البصرية؟ فى هذا الخصوص يؤكد البعض على أن الرؤية التى طلبها النبي موسى ﷺ هى الرؤية البصرية التى طلبها قومه فى الميقات. بينما يرى قسم آخر أن طلب الرؤية البصرية كانت من قبله هو. فى حين فسّر قسم ثالث الرؤية التى أرادها النبي موسى ﷺ بالعلم الضرورى بالله. والذى يُستشفّ من خلال النظر فى هذه الآيات أن الرؤية التى طلبها النبي موسى ﷺ كانت الرؤية البصرية وجاءت بإصرار قومه ومن قبلهم.

### الألفاظ المفتاحية

آيات رؤية الله، التفسير الكلامى، رؤية الله، النبي موسى ﷺ، الميقات، بنى إسرائيل.

## تحليل دلالي للصالح في القرآن الكريم في رأى العلامة محمدحسين الطباطبائي وآية الله جوادى الآملی

محمد ابوطالبی\*

محمد مهدي گرجیان عربی\*\*

### الخلاصة

يري عموم المفسرين أن جميع استعمالات القرآن لكلمة «الصالح» تدل علي الصلاح في العمل، وفاعل كل عمل فيه صلاح، صالحاً، غير أن قسم آخر من المفسرين - وفي ضوء قسم من الاستعمالات القرآنية للصالح واطلاق هذا الوصف علي الأنبياء، وكذلك طلب بعض الأنبياء أن يلحقهم الله بالصالحين - يري أن كلمة الصالح تدل علي منزلة خاصة وتشير الي الصلاح الذاتي، وأن مجرد الإتيان بعمل صالح، لا يوصل الانسان الي هذا المقام. ويُعدّ العلامة محمدحسين الطباطبائي وآية الله جوادى الآملی من هذه الطائفة. ينطلق هذا البحث بأسلوب وصفى - وتحليلي ومن خلال دراسة الرأى الآنف ذكره ليثبت أن هذا الرأى مستحكم وقويم ويرجحه علي رأى عموم المفسرين. ووفقاً لهذا الرأى، فإن القرآن الكريم لا يُطلق وصف الصالح علي كل من يأتي بعمل صالح، وفي الكثير من آيات القرآن الكريم تُعدّ كلمة الصالح منزلة خاصة ووصفاً لمن يكون جوهر ذاته صالحاً، والصلاح فيه ملكة وفصله المقوم.

### الألفاظ المفتاحية

آيات العمل الصالح، الآيات الأخلاقية، العلامة محمدحسين الطباطبائي، آية الله جوادى الآملی.

abootalebi29@gmail.com

gorjian@bou.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٩/٠٤/١١

\*. طالب دكتوراه في جامعة باقر العلوم (الكاتب المسؤول).

\*\* . استاذ في جامعة باقر العلوم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/١٠/١١

## تأثير إختلاف قراءة «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» علي الخطاب الفقهي للقرضاوى

محمد رضا ستوده نيا\*

فاطمه طائبى اصفهاني\*\*

### الخلاصة

إختلاف القراءات القرآنية فى بعض الآيات، أدت الي إختلاف المفسرين، والمترجمين، والفقهاء فى فهمهم لها. فى هذا البحث فى ضوء بيان سبب عدم مصافحة المرأة للأجنبي، وما جاء فى ذلك من آراء المفسرين والعلماء إستناداً الي الآية الشريفة: «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» يُبحث إختلاف قراءات الآية المذكورة وتأثيره فى آراء المفسرين والفقهاء، مع بيان إختلاف قراءة كلمتى: «لامستم» و«لمستم» واستعراض وجوه القراءات، وإحتجاجات كلّ قراءة، من خلال نظرة تحليلية لإثبات أن تنوع الأفهام الحُكمية لهذه الآية جاء بسبب إختلاف قراءاتها، وأن إختلاف القراءات أفضى الي إيجاد تفاسير وفتاوي مختلفة. اعتمد كاتبها هذا البحث الاسلوب التحليلي المقارن لتقصي ترجمات الآية ٤٣ (باللغة الفارسية)، مع استعراض الآراء الفقهية، والقرائية والروائية، والكشف عن مواطن الضعف والزلات التى وقعت فيها بعض الترجمات والفتاوي فى ما يخص عبارة «لامستم النساء».

### الألفاظ المفتاحية

الآية ٤٣ من سورة النساء، آيات الأحكام، إختلاف القراءات، المصافحة.

m.sotudeh@ltr.ui.ac.ir

\*. استاذ مشارك فى جامعة اصفهان (الكاتب المسؤول).

\*\* خريجة ماجستير من جامعة اصفهان، وطالبة فى المرحلة الرابعة فى الحوزة العلمية النسوية، اصفهان.

taebi1379@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٩/٠١/٠٩

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٥/١٢

## نظرات في مصداق «الصادقين» في الآية «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

كرم سیاوشی\*

محمد علی ایزدی\*\*

### الخلاصة

دعا الله تعالى المؤمنين بشكل مطلق، ليكونوا مع الصادقين في الآية الكريمة «... كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». والسؤال الذي يُثار هنا هو هل مفهوم الصادقين في هذه الآية عام؟ أم خاص؟ وفيما لو كان خاصاً، فمن هم أولئك المصاديق التي أمر الله المؤمنين بشكل مطلق باتباعهم؟ قال المفسرون الشيعة بالإستناد الي روايات الفريقين وبطرح إستدلال عقلي، إن مصداق الصادقين هو الإمام علي عليه السلام وخلفاؤه المعصومون. أما مفسرو أهل السنة فأراؤهم مختلفة في هذا المجال؛ فقسم منهم قالوا إن مصداقها المهاجرون وبعض المهاجرين والأنصار، بينما قال قسم آخر إنهم الخلفاء الراشدون، وبعض المتخلفين عن غزوة تبوك، وبعض أهل الحلّ والعقد، وقال آخرون إنه الإمام علي عليه السلام وأصحابه. في هذا البحث جري اخضاع الآراء المختلفة للبحث والنظر بأسلوب وصفي وتحليلي، وأثبت بالإعتماد علي مستندات نقلية وإستدلالات عقلية أن مصداق الصادقين هو الإمام علي عليه السلام وأهل بيت النبي المعصومون.

### الألفاظ المفتاحية

الآية ١١٩ من سورة التوبة، الصادقون، أهل البيت عليهم السلام، أهل الحلّ والعقد، الصحابة، الخلفاء، إجماع الأمة.

karam.siyavoshi@basu.ac.ir

m.izadi@basu.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٨/١١/٢٢

\*. استاذ مشارك في جامعة بوعلی سینا، همدان.

\*\* استاذ مساعد في جامعة بوعلی سینا، همدان (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٤/٢٧

## إعادة نظر تفسيرية في معني «ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ»

جواد نصیری وطن\*

مهدي جلالی\*\*

صاحب علی اکبری\*\*\*

### الخلاصة

وردت في القرآن الكريم كلمتان تبدوان مترادفتين وهما: «عَبَسَ» و«بَسَرَ» في الآية الثانية والعشرين من سورة المدثر، وهي: «ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ». وقد طرح علماء الألفاظ والمفسرون آراء في بيان معني هاتين الكلمتين. فطرحوا ثلاثة آراء في معني كلمة «عَبَسَ»، وأحد عشر رأياً في معني كلمة «بَسَرَ»، وهو ما ينم عن إختلاف وجهات نظرهم. ولأجل توضيح معني هذه الكلمة عمل هذا البحث علي مراجعة المصادر اللغوية للإطلاع علي المعاني الصحيحة لهاتين الكلمتين، لتسليط الضوء علي آراء المفسرين في ضوء ما يفرزه سياق الآية. وتشير معطيات البحث الي أن أقرب وأنسب تعبير في هذا السياق لكلمة «عَبَسَ» هو اكفهرّ وجهه، وكلمة «بَسَرَ» هو التوقف والمكث مع التفكير. وهذا الرأي يتماشى مع السياق ومع أقوال بعض علماء الألفاظ والمفسرين، كما انه يستبعد شبهة الترادف أيضاً.

### الألفاظ المفتاحية

الآية ٢٢ من سورة المدثر، تفسير المفردات، عَبَسَ، بَسَرَ.

javadnasirivatan@gmail.com

a.jalaly@um.ac.ir

akbari-s@um.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٨/١١/٢٢

\*. طالب دكتوراه جامعة الفردوسى، مشهد (الكاتب المسؤول).

\*\* . استاذ فى جامعة الفردوسى، مشهد.

\*\*\* . استاذ مشارك فى جامعة الفردوسى، مشهد.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٣/١٣

## ردّ علي شبهة الألوسى حول امامة الأئمة عليهم السلام

### علي أساس دور «إنّما» في آية الولاية

علي حسن بگي\*

#### الخلاصة

يطرح مفسّرو الشيعة الآية ٥٥ من سورة المائدة، المعروفة بآية الولاية، لإثبات ولاية الإمام علي عليه السلام، ولكن بعض مفسّرين أهل السنّة يثيرون مؤاخذات علي هذا المقاربة التفسيرية. فقد بيّن الألوسى وهو من مفسّري أهل السنّة أن تفسير الشيعة للآية ٥٥ من سورة المائدة، يستلزم نفي امامة الأئمة الآخرين للشيعة. وقد ردّ مفسّرو الشيعة علي هذه المؤاخذه، ولكن ردودهم لم تكن منهجية كما يبدو لي. وكان آخر ردّ مكتوب علي شبهة الألوسى من زاوية «أن مفهوم مخالفة آية الولاية لبي وعدم قابلية التخصيص فيه»، و«اعتبار الأمور غير المسلّم بها مسلّمة»، وغير ذلك لا يخلو من نقص وضعف. وقد اتضح من بعد الجهود التي بُذلت هنا، أن الإجابة علي هذه الشبهة تتوقف علي الالتفات الي دور «إنّما» في الآية المذكورة. تجدر الإشارة الي أن شبهة الألوسى وما طُرح من جواب لها، يقوم علي دلالة «إنّما» علي الحصر الحقيقي، في حين اننا لو دققنا في استعمالات «إنّما» لوجدناها تعبر عن حصر اضافي. وبالنتيجة فإن منطوق ومفهوم الآية لا صلة له مطلقاً بنفي امامة الأئمة عليهم السلام.

#### الألفاظ المفتاحية

الآية ٥٥ من سورة المائدة، آية الولاية، الألوسى، الحصر بإنّما.

a-hasanbagi@araku.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٨/١٢/٠٦

\*. استاذ مساعد في جامعة اراك.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٤/٢٤

## آراء مفسري الفريقين في تفسير الآية: «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى»

### مع التركيز علي ردّ الشبهات

غلام حسين اعرابي\*

رقية كاظمي تبار\*\*

#### الخلاصة

يذهب السلفية الوهابيون، استناداً الي فهمهم الظاهري للآية ٨٠ من سورة النمل، الي انكار سماع الموتى، وتبعاً لذلك يرفضون أى نوع من التوسل والإستغاثة بهم. هذا في حين أن التفسير الشامل وعلي أساس الشواهد القرآنية وما يفيد به سياق هذه الآية، يثبت أن الآية بصدّد تشبيه الكافرين بالأموات؛ أى أن الكافرين كالأموات لا ينتفعون بأسماعهم ولا يهتدون، وليس في هذه الآية ما يدلّ علي نفى سماع الأموات. هذا التفسير، جواب مناسب وردّ تام علي الشبهات التي يثيرها السلفية الوهابيون علي هذه الآية وعلي الرواية المعروفة باسم رواية بدر - التي تعدّ من أهمّ الأدلة الروائية في إثبات سماع الموتى. وهو في الوقت ذاته جواب وردّ علي تأويل عائشة لرواية بدر؛ وهو التأويل الذي جاء بناءً علي فهمها الظاهري لهذه الآية، ومن أهم ما يستند اليه المنكرون لسماع الموتى. وهذا يعني أن المعارضين لسماع الموتى، ليس لديهم دليل من القرآن ولا من السنّة في إثبات ادعائهم؛ في حين أن هناك بعض الآيات والكثير من الروايات التي تثبت سماع الموتى للكلام.

#### الألفاظ المفتاحية

الآية ٨٠ من سورة النمل، التفسير الكلامي، سماع الموتى، الوهابية.

golamhosein.arabi@gmail.com

kazemi\_tabar@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٨/١١/١٠٥

\*. استاذ مشارك في جامعة قم.

\*\* . طالبة دكتوراه في جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٣/١٧



## آراء مفسري أهل السنة والسلفية الجدد في مفهوم «الحكم» في الآية «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»

حميد ايماندار\*

محمد علي رضايي کرمانی\*\*

### الخلاصة

تفسير عموم مفسري الفريقين لمفهوم «الحكم بغير ما أنزل الله» الذي ورد في الآية الشريفة: «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» بالنحو الذي تطرحه السلفية التكفيرية سواء في مجال تحديد المصاديق أم في مجال تنقيح مناهج الحكم الشرعي، له تمايزات واسعة. معظم مفسري أهل السنة من خلال تقييد مفهوم «الحكم بغير ما أنزل الله» يحملون الكفر علي مفهومه الفقهي. ينبغي القول إن معظم مفسري أهل السنة يأخذون بنظر الاعتبار الروايات التفسيرية الكثيرة التي تُدرج تحت هذه الآية؛ بما فيها آراء الصحابة وروايات أسباب النزول، ويتحاشون طرح تفاسير ذات اتجاه تكفيري، بينما السلفيون الجدد فينحون جانباً التفاسير الثلاثة والمقبول عند أهل السنة في تفسير مفهوم الحكم بغير ما أنزل الله، ويؤكدون علي نحو خاص علي بعض مصاديق مفهوم الحكم، وتطبيق مبادئ كلامية مشابهة لفكر الخوارج والاستناد الي بعض آراء أعظم السلفية، ويتبنون تفسيراً متطرفاً لهذا المفهوم، مما ليس له جذور في آراء أهل السنة ومصادرهم التفسيرية.

### الألفاظ المفتاحية

الآية ٤٤ من سورة المائدة، التفسير الكلامي، الحكم بغير ما أنزل الله، السلفية الجديدة.

hamidimandar@yahoo.com

rezai@um.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٨/٠١/٢٥

\*. استاذ مساعد في جامعة شيراز (الكاتب المسؤول).

\*\* استاذ مشارك في جامعة الفردوسي، مشهد.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٧/٠٦/٠١

## أضواء علي نظرية الدشتكي في حدوث الإنسان مع التركيز علي آية «هَلْ أَتَى...»

محمد شريفاني\*

### الخلاصة

استند الحكيم الدشتكي، الي الآية الشريفة: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» للقول بحدوث الإنسان والتصريح إن الإنسان كائن حادث أبدى، وليس أزلياً. وفي مقابل هذا الرأي يذهب ابن عربي الي القول إن الإنسان موجود أزلي وأبدى. يهتم هذا البحث بدراسة آراء بعض المفسرين في دلالة الآية المذكورة، وكذلك النظر في أدلة الدشتكي وابن عربي بخصوص معني هذه الآية. يتضح من خلال القاء نظرة اجمالية علي هذه الآية المطروحة علي بساط البحث، أن الرأي التفسيري للمفسرين وفهم الدشتكي، يُستنبط منها في بداية الأمر حدوث الإنسان، ولكن عند التدقيق أكثر في معني الآية وما ساقه المفسرون من الأدلة بشأنها، يتكون لدي الباحث شك في نظرية الحدوث. وعلي هذا الأساس، يكون المراد من الحدوث، هو الحدوث الزماني؛ بمعنى أن الإنسان كائن حادث بالحدوث الذاتي وقديم بالقدم الزماني. كما أن المراد من الإنسان، حقيقة الإنسان؛ أي نفسه الناطقة ومادته الأولية وليست صورته.

### الألفاظ المفتاحية

الآية الاولى من سورة الإنسان، التفسير الكلامي، الحدوث، القدم، الإنسان، الدشتكي.

sharifani50@shirazu.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٩/٠٢/٢٨

\*. استاذ مساعد في قسم علوم القرآن والفقهاء، جامعة شيراز.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٨/٢٥

## الرأى التفسىرى لصدى المتألهىن فى «الصراط» و «الصراط المستقىم» فى القرآن الكرىم

سجاد مىرزایى\*

رضا حاجى ابراهىم\*\*

### الخلاصة

الهداية أمر مشترك تدعى جمىع الأدىان السعى من أجله؛ هذه الحقىقة فى الإسلام تبلورت حول محور الصراط المستقىم. أهمة وضرورة فهم معنى صراط مسلوق لأصل الهداية، وأى نوع من التفسىر المغلوط الذى ىرمىها فى وادى التعددىة والنسىة، ىمثل نقضاً للغرض من نزول القرآن وإرسال الأنبىاء. فتح الملا صدر الدىن الشىرازى من خلال طرحه للتفسىر الحكمى للصراط وماهىته فى آىات القرآن، أفقاً جدىداً للأذهان. وقد عرض رأیه فى هذا المجال فى كتابه: «تفسىر القرآن الكرىم»، و «أسرار الآىات وأنوار البىنات» بالاضافة الى كته الاخرى. ىستكنه هذا البحث المنطلق الذى بنى علیه تفسىره لحقىقة الصراط، ثم نأتى على دراسة الآىات التى تنطوى على تحليل وتفسىر ىتعلق بفهم هذا الأمر. وفى الختام ىقدّم من خلال استجماع المواضىع التفسىرىة، تعریفاً للصراط والصراط المستقىم، ولازمته الذاتىة الوحده.

### الألفاظ المفتاحىة

الصراط، الصراط المستقىم، صدر المتألهىن.

sajad.mosafer@yahoo.com

haji@aut.ac.ir

تارىخ القبول: ٢٠١٩/٠١/٠٩

\*. طالب دكتوراه فى جامعة المعارف الإسلامىة (الكاتب المسؤل).

\*\* . استاذ مساعد فى جامعة امىركبىر الصناعىة.

تارىخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٣/١٩

## كشف الغاية من سورة «ص»: تفسير الميزان أنموذجاً

حسن صالحى\*

### الخلاصة

يري الباحثون القرآنيون في العقود الأخيرة ومن خلال مقارنة التفسير البنائي لسور القرآن الكريم، أن هذا المنهج الحديث يساعد علي ادراك مفاهيم القرآن الكريم بشكل ملحوظ. يرمى هذا المنهج بالدرجة الاولى الي الكشف الأهداف الأساسية والفرعية للسور، ثم بعد ذلك الكشف عن ترابط سياق الجمل والآيات مع بعضها الآخر في تصوير الأهداف الفرعية وفي الأجواء العليا للهدف الكلى للسورة. يسعى هذا البحث علي أساس مثل هذه المقاربة للنظر والتأمل في سورة «ص» من خلال استنطاق ما ورد في تفاسير شيعية وسنية متعددة، منها تفسير الميزان. تُظهر النتيجة المستخلصة من البحث البنائي في سورة «ص» أن الهدف المركزي لسورة «ص» هو التعليم والتربية وتركيز شخص النبي ﷺ وتبعاً له الدعاة والمبلغون الدينون علي ما عليه من تكاليف هداية الناس وإنذار المشركين في قضايا المبدأ، والمعاد، والنبوة، وقد ذُكر بهذه الوظائف ضمن مواضع متعددة. ومن الأهداف الفرعية الاخرى لهذه السورة الثناء علي بعض الأنبياء، وتبديد التهم الكبرى الموجهة لهم، ودرء محاولات النيل منهم والإساءة اليهم.

### الألفاظ المفتاحية

سورة ص، التفسير البنائي، تكاليف النبي الكريم ﷺ، الإنذار والتبشير.

h.salehi@tabriziau.ac.ir

تاريخ القبول: ٢٠١٩/٠١/٠٩

\*. استاذ مساعد في جامعة الفن الإسلامي، تبريز.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٨/٠٤/٠٤